

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، هیأت حاکمه‌ی آمریکا تصمیم به ایجاد برخی اصلاحات در ساختار دفاعی و امنیتی خود می‌گیرد. در یکی از مهم‌ترین اصلاحات، برخلاف روال مرسوم، "وزارت خزانه‌داری" در کنار سازمان‌های امنیتی و دفاعی آمریکا، عضوی از اعضای جامعه‌ی اطلاعاتی و جنگی ایالات متحده می‌شود. جی سولومون (گزارشگر روزنامه‌ی وال استریت ژورنال) در کتاب مهم خود با عنوان "جنگ‌های ایران: بازی جاسوسی، نبرد آمریکا و توافق‌های پشت پرده"، ضمن تشریح نحوه‌ی فعالیت این اتاق جنگ و همکاری آن با "کابینه‌ی جنگ آمریکا"، نقش وزارت خزانه‌داری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌ها در چینش جدید معرفی می‌کند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۹۸ / چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۹۷

مهندسی معکوس آمریکا در برابر جبهه غالب مقاومت

کیهان: اگر پاره‌ای از خبرهای مرتبط با «حل مسئله رژیم اسرائیل» را در یک سال اخیر مرور نماییم، به «نقشه‌ای حساب شده» برخورد می‌کنیم و این خبرها را بخش‌هایی از آن نقشه می‌بینیم. خبرهای این یک سال را با هم مرور نماییم؛ انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، مصوبه «کنست»- پارلمان رژیم صهیونیستی و اگذاری جزایر صنافیر و تیران از سوی مصر به عربستان و... در واقع آنچه ما در سه تحرک دیپلماتیک رژیم صهیونیستی در سه کشور عربی مشاهده کردیم، یک مانور تبلیغی گسترده را در پی داشت، نشان داد که توطئه‌ای در پشت پرده تحولات منطقه در جریان است که باید به ابعاد و پیامدهای آن توجه شود. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد: ۱- هیچ تردیدی وجود ندارد که برای غرب در منطقه ما هیچ موضوعی به اندازه «حل مسئله اسرائیل» موضوعیت ندارد. این موضوع ناشی از دو چیز است یکی تأثیر سنگین لابی یهودی در کشورهای آمریکایی و اروپایی است و یکی هم ترس از پیروزی مسلمانان بر اسرائیل به‌عنوان نماد سیطره غرب بر منطقه اسلامی. ۲- «طرح قرن» که اعراب به آن «صفقه‌القرن» می‌گویند، ظاهری و باطنی متفاوت از یکدیگر دارد. آمریکایی‌ها مدعی هستند که می‌خواهند در منطقه عربی و در مرکزیت خلیج عقبه یک بازار بزرگ اقتصادی به وجود آورند که به وضع فلاکت‌بار کشورهای فقیر هم‌پیمان آمریکا خاتمه داده و ثبات سیاسی و امنیتی این منطقه که در دهه‌های اخیر متزلزل گردیده است را برگرداند. آمریکا در این میان از سرمایه‌گذاری ۲۰۰۰ میلیارد دلاری سخن می‌گوید و عربستان و قطر را منبع تامین این سرمایه‌گذاری به حساب می‌آورد. در این دو ساله، آمریکا با محوریت جerald کوشنر تلاش گسترده‌ای برای قبولاندن این طرح انجام داد ولی خبرها بیانگر آن است که توفیق زیادی نداشته است. اما در واقع معامله قرن، طرحی است برای پایان دادن به موضوعی به نام فلسطین. اردن در این طرح تقریباً به طور کامل محو می‌شود و جای آن کشوری به نام «فلسطین» جعل می‌شود و به عبارت دیگر فلسطین در فلسطین کاملاً محو می‌شود و به یک کشوری جعلی تبدیل می‌گردد. در این طرح بخش بزرگی از صحرای سینا از مصر جدا می‌شود و بین فلسطین جعلی و اسرائیل جعلی تقسیم می‌گردد و دست آخر یک سازمان مشترک امنیتی و اقتصادی با مشارکت رژیم‌های اسرائیل، مصر، عربستان و فلسطین جعلی شکل می‌گیرد و با کمک غرب با روندهای ضدغربی در منطقه یعنی جبهه

مقاومت مقابله می‌کند. در واقع برخلاف آنچه از نمای صلح‌آمیز این طرح برمی‌آید آمریکا که تاکنون هم از گروه‌های نیابتی برای اقدامات تروریستی علیه مسلمانان استفاده کرده به فکر شکل دادن به یک بلوک قدرتمند سیاسی، اقتصادی و امنیتی علیه مسلمانان است اما در اینجا یک سوال اساسی وجود دارد؛ آیا آمریکا که در طرح‌هایی به مراتب کوچک‌تر به بن‌بست رسیده قادر است در طرحی بسیار بزرگ‌تر به پیروزی برسد. اما درخصوص طرح آمریکایی‌ها که در واقع تثبیت رژیم اسرائیل و تسلط آن بر مناسبات منطقه‌ای غرب آسیا است، موانع جدی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: الف: طرح معامله قرن مبتنی بر محوریت‌بخشی بیشتر به رژیم اسرائیل بوده و در واقع «اسرائیل‌محور» است و حال آنکه دولت‌های مصر، عربستان، اردن و ... اگرچه تحت سیطره غرب قرار دارند ولی از شدت مخالفت مردم عرب خود نسبت به رژیم اسرائیل خبر دارند. نمی‌توانند به راحتی با آن همراه گردند. هیچ‌کس تردید ندارد که اسرائیل در کشورهای عربی به طور صددرصد منفور است و در صورت پیوستن کشورهای مزبور به این طرح زمینه سقوط دولت‌های آنان فراهم‌تر می‌شود. ب: کشورهای عربی نسبت به سابقه صلح با رژیم اسرائیل ذهنیت منفی دارند. دولت‌ها و مردم در این کشورها به طور طبیعی از آمریکا می‌پرسند ما در این ۴۰ سال در هر طرح صلحی با اسرائیل که شما خواستید وارد شدیم ولی کجاست صلح؟ کجاست آرامش و حقوق اعراب فلسطینی؛ کجاست وعده‌های مطرح شده در پیمان‌های کمپ‌دیوید و وادی عرب، طرح کمیته ۴جانبه، مذاکرات مادرید، مذاکرات اسلو و مذاکرات مریند؟ آمریکا بخصوص با انتقال سفارت خود به بیت‌المقدس نشان داد که با طرح معامله قرن در واقع درصدد کنار زدن اعراب از حقوق مسلم‌شان است.

ج: نکته دیگر این است که اعراب، هم اینک به توانایی آمریکا در به نتیجه رساندن طرح خود تردید دارند. اعراب با نگاه به ادعای آمریکا در جنگ عراق (۲۰۰۳) معتقدند آمریکا در عمل توانایی لازم را برای اجرای طرحی که از آن دم می‌زند ندارد و در نتیجه آنچه بر دوش دولت‌های وابسته به آن باقی می‌ماند، بدنامی و هزینه‌های هنگفت است. همین چند سال پیش حسنی مبارک پس از برکناری از قدرت طی نامه‌ای به ملک عبدالله پادشاه سابق عربستان نوشت: نتیجه عمل به حرف‌های آمریکایی‌ها از بین رفتن و تحقیر شدن است. د: از نظر کشورهای عربی و در واقع ذات طرح آمریکایی‌ها به هم ریختن وضع امنیتی موجود کشورها به نام ایجاد وضع امنیتی مطلوب است و در این موضوع آمریکا از خود سابقه بدی را برجای گذاشته است. آمریکایی‌ها در دوره اول جرج بوش آمدند و از طرحی تحت عنوان «خاورمیانه جدید» سخن گفتند، نتیجه آن وقوع جنگ‌هایی در منطقه بود که دود آن به چشم دولت‌های عرب رفت و موقعیت آنان را در برابر ایران تضعیف کرد. بر این اساس کشورهای عربی از طرح قرن می‌ترسند و معتقدند حل مسئله‌ای حساس یعنی فلسطین با روشی که ترامپ پیشنهاد می‌کند، عملی نیست. ه: کشورهای عربی این طرح معتقدند آن کشوری که از بهم ریختگی منطقه استفاده می‌کند، ایران است. کشورهای عربی به صراحت می‌گویند که ایران به خوبی قادر است سوار طرح‌های امنیتی مخالف خود شده و به نفع خویش تغییر دهند.

خلیج فارس راهبردی ترین آبراه دنیاست

وطن امروز: فرمانده نیروی دریایی ارتش خلیج فارس را راهبردی ترین آبراه دنیا و در زمره منافع حیاتی عنوان کرد. فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه ۴۰ درصد نفت دنیا در منطقه خلیج فارس وجود دارد و عبور این انرژی از تنگه هرمز انجام می شود، گفت: خلیج فارس مهم ترین و راهبردی ترین آبراه دنیا و در زمره منافع حیاتی کشور است و هرکس مدیریت این منطقه را در دست داشته باشد به مثابه آن است که انرژی دنیا را مدیریت می کند.

زیست شیعی

صبح نو: این قدم هایی که تا کربلا از زمین برداشته می شود هر کدام جان تازه ای به زیست شیعی و مدنیت شیعی می دهد. این قدم ها انگار هر کدام روح انسان طالب حقیقت را به آسمان می برد و به پرواز درمی آورد. انسان خسته و ملول از مادیات و تنهایی و سرگشتگی در مسیر نجف تا کربلا انگار هویت خود، حقیقت خود و روحی زلال را جست و جو می کند. چنین است که این راهپیمایی به مثابه ذخیره ای بزرگ از معنا، سیرت راهرو را صیقل می دهد و صورت او را صفا می دهد. در این وانفسای عقل ابزاری و مادی کسانی گرد هم می آیند که از خود می گذرند، بر خود سختی و تلاش روا می دارند و همه این ها را ذیل پرچم حسینی گوشه ای از ادای محبت خود به صاحب دل ها می شمارند. راهپیمایی اربعین بی تردید در حیات و زیست شیعیان فصلی نو و معنابخش و هویت افزا محسوب می شود. انگار تصویربخش جامعه ای ایمانی، مسالمت جو و بیانگر مدینه النبی باشد. این بازگشتی یگانه به سنت های نبوی و علوی در محبت و همبستگی است که مشابه اش در دوران جدید سخت یافت می شود. این روزها آنچه می درخشد فرهنگ مدنی و زیست شیعی است.

مانع بزرگ تحریم نفت ایران

فرهنگیان: دور دوم تحریم های آمریکا علیه ایران (تحریم های ثانویه) قرار است از چهار روز آینده یعنی ۱۳ آبان با تمرکز بر بخش انرژی کشورمان اجرایی شود، اما برای اجرای سفت و سخت این تحریم ها نیاز به اطلاعات کافی درباره میزان فروش نفت ایران است. آمریکا و متحدان نفت خیز منطقه ای او نمی دانند ایران در دوران پساتحریم چه میزان نفت صادر خواهد کرد و نیاز واقعی بازار به چه میزان است تا بتوانند برای جایگزینی نفت ایران برنامه ریزی کنند. این دقیقا همان سیاهچاله ای است که ایران پیش پای آمریکا و عربستان سعودی قرار داده است. تهران حاضر نیست میزان صادرات نفتی اش را به صورت واضح اعلام کند و همین مساله ابهام درباره اعمال سرسختانه تحریم ها را قوت بخشیده است. اگر ایران نفت خود را در دوران پساتحریم به فروش برساند، تولید مازاد بر ظرفیت از سوی عربستان و برخی دیگر از کشورها، باعث کاهش قیمت جهانی نفت خواهد شد و این به معنای تولید بیشتر و درآمد کمتر خواهد شد. به طور حتم نه سعودی ها و نه هیچ کشور دیگری حاضر به چنین ریسک پرخطری نخواهد بود. اگر هم ایران نتواند تمام مشتری های نفتی اش را حفظ کند، کمبود نفت در بازار انرژی به رشد بی رویه قیمت نفت - حداقل در کوتاه مدت - منجر خواهد شد و این به معنای افزایش قیمت سوخت در آمریکا و بسیاری دیگر از کشورها خواهد شد.

افول لیبرال دموکراسی در جشن پوپولیسیم

جوان: ژایر بولسونارو ۶۳ ساله در انتخابات ریاست جمهوری برزیل به پیروزی رسید. این نتیجه از انتخابات برزیل در حالی بود که آن سوی دنیا و در انتخابات محلی در ایالت هسه آلمان، حزب حاکم دموکرات مسیحی یک شکست تاریخی را تجربه کرد و حزب راست افراطی به نام «آلترناتیو برای آلمان» توانست با ۱۳ درصد آرا به یک پیروزی تاریخی دست یابد. به این ترتیب، مقایسه بین این دو انتخابات می‌تواند حکایت از روزهای افول لیبرال دموکراسی در جشن پوپولیسیم باشد. بولسونارو نظامی‌کهنه‌کاری است که هوادارای خود از حکومت ۲۱ ساله نظامیان در برزیل طی سال‌ها ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ را پنهان نمی‌کند این تنها گوشه‌ای از دیدگاه راست افراطی او است و باید حمایتش از آزادی حمل اسلحه، سخنان نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز علیه سیاه‌پوستان، بومیان و زنان او را هم در نظر گرفت تا معلوم شود که چرا به او گفته می‌شود «ترامپ برزیل». بی‌جهت نیست که به محض پیروزی در انتخابات، این دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، بود که پیروزی‌اش را به او تبریک گفت و بعد هم جمعی از رهبران هم‌مسلك با ترامپ مثل ماتئو سالوینی، وزیر کشور و معاون نخست‌وزیر دولت راست‌گرای ایتالیا و مائوریسیو ماکری، رئیس‌جمهور آرژانتین، به استقبال پیروزی او رفته‌اند. از هم اکنون ترس بازگشت به سال‌های دیکتاتوری در برزیل به راه افتاده و هرچند که بولسونارو از تحمل عقاید دیگران گفته، اما از طرف دیگر تهدید به پاکسازی کسانی کرده که حاضر نیستند گردن به نظر اکثریت بگذارند و گفته که این افراد باید «بین زندان و تبعید یکی را انتخاب کنند.» وجه دیگر موضوع ارتباط به سیاست خارجی او دارد که از حالا انتظار می‌رود او هم مثل ترامپ از معاهده آب و هوایی پاریس خارج شود. بی‌شک خروج از معاهده پاریس کم‌ترین نگرانی از بولسونارو است بلکه ریاست جمهوری او به این معنا است که حالا نهمین قدرت اقتصادی جهان مبدل به نزدیک‌ترین متحد ترامپ علیه نظم جهانی شده است.

